

بررسی معنای کتاب در روایت علوی «هَذَا كِتَابُ رَبِّكُمْ...»
 مهدی حیاتی^۱ / دکتر محمدحسن رستمی^۲ / دکتر عباس اسماعیلی زاده
 علمی - پژوهشی
 فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
 سال بیست و یکم، شماره ۸۲ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، بهار ۱۴۰۳، ص ۵۱-۶۶

بررسی معنای کتاب در روایت علوی «هَذَا كِتَابُ رَبِّكُمْ كَمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّكُمْ»*

مهدی حیاتی^۱ / دکتر محمدحسن رستمی^۲ / دکتر عباس اسماعیلی زاده^۳

چکیده

روایت علوی «هَذَا كِتَابُ رَبِّكُمْ كَمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّكُمْ» در کتاب الاعتقادات شیخ صدوق بدون ذکر سند نقل شده است. اما روایات هم خانواده و مشابه آن در کتاب اصول کافی و بصائر الدرجات صفار با سند متصل روایت شده است. هر چند این حدیث در رابطه با مصحف امیرمؤمنان علیه السلام در منابع شیعی به شکل پربسامدی منعکس شده و مورد استناد قرار گرفته است؛ اما تاکنون مستقلاً به بررسی محتوایی و دلالتی آن پرداخته نشده است. پرسش اصلی این که از محتوای این روایت چه اطلاعاتی پیرامون مصحف حضرت به دست می‌آید؟ این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته و هدف از آن بررسی سندی و متنی روایت مذکور است. نتایج به دست آمده از آن روشن می‌سازد که محتوای مصحف حضرت از جنس وحیانی بوده و شامل تنزیل و تأویل می‌باشد، یعنی علاوه بر وحی قرآنی، وحی بیانی نیز در حاشیه مصحف حضرت ثبت شده است. امیرمؤمنان علیه السلام به آن مجموعه واژه «کتاب» اطلاق کرده است. پس واژه کتاب اعم از واژه قرآن بوده و رابطه بین کتاب و قرآن، عموم و خصوص مطلق است. از خلال بررسی این حدیث معنای واژه «کتاب» در حدیث ثقلین نیز روشن می‌گردد. که این مطلب دستاورد جدیدی در رابطه با مصحف حضرت می‌باشد.

کلید واژه‌ها: کتاب، وحی قرآنی، وحی بیانی، مصحف امام علی علیه السلام

* دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰.

۱. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز mehdi.hayati@scu.ac.ir

۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) rostami@um.ac.ir

۳. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد esmaeelizadeh@um.ac.ir

۱. مقدمه

خداوند قرآن کریم را از گزند هر گونه تحریف و تغییر مصون داشته می‌فرماید: «انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون» (حجر، ۹) الفاظ کلام وحی بدون هر گونه کم و زیاد و تغییر و تحریفی به همان شکلی که بر قلب نازنین رسول اکرم ﷺ نازل شده است پیش روی ماست. اما از ره‌گذر بررسی مصاحف و روایاتی که در این خصوص به دست ما رسیده، شبهاتی پیرامون موضوع تحریف‌ناپذیری قرآن مطرح شده است.

یکی از این مصاحفی که به دلایل فراوانی توجه دانشمندان اسلامی را به خود جلب کرده، مصحف امام علی علیه السلام است. علی‌رغم این که اصل مصحف به دست ما نرسیده تا بتوانیم بر اساس شواهد عینی در خصوص آن اظهار نظر کنیم، اما آنچه از خلال منابع حدیثی و تاریخی به دست می‌آید، می‌تواند دورنمایی از مصحف امیرمؤمنان علیه السلام را برای ما ترسیم نماید. پاسخ مسائلی از جمله اصل وجود مصحف حضرت، فضایی که مصحف حضرت در آن نوشته شده، محتوای و نسبت آن با مصحف عثمانی را می‌توان در منابع روایی یافت.

۱-۱. طرح مسأله

یکی از روایات پُربسامد که در موضوع مصحف حضرت علی علیه السلام مکرراً مورد استناد بوده و مشخصاً در روایاتی که به گزارش از نحوه عرضه شدن مصحف توسط حضرت، بعد از رحلت رسول اکرم ﷺ مورد توجه دانشمندان شیعی است، روایتی منقول از شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات چنین نقل شده است: «هَذَا كِتَابُ رَبِّكُمْ كَمَا أُنزِلَ عَلَيَّ نَبِيِّكُمْ، لَمْ يَزِدْ فِيهِ حَرْفٌ، وَ لَمْ يَنْقُصْ مِنْهُ حَرْفٌ» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۱، ص ۸۶) است. پرسش‌های اصلی راجع به این روایت این است که چه اطلاعاتی از خلال بررسی این روایت، پیرامون مصحف حضرت علی علیه السلام به دست می‌آید؟ و منظور از کتاب در این روایت چیست؟ محتوای این کتاب چیست؟ و چه نسبتی بین آن و قرآن وجود دارد؟ براین اساس بررسی این روایت از لحاظ سندی و متنی، منابع و مصادر ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۲. اهداف، ضرورت و روش تحقیق

پژوهشگر این سطور معتقد است برای ساختن تمدن نوین اسلامی، همه اقیانوس میراث مکتوب حدیثی اهل بیت علیهم‌السلام، نیازمند بازشناسی سندی و متنی و بازفهمی نوین براساس مقتضیات زمانه است. از آن جایی که روایت مذکور بسیار مورد استناد علمای شیعه قرار گرفته است و تحقیقی مستقل درخصوص آن صورت نگرفته است، هدف از این پژوهش این است که ضمن بررسی سندی و دلالتی روایت مذکور، تحلیلی محتوایی از مصحف حضرت علی علیه‌السلام نیز ارائه گردد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است.

۱-۳. پیشینه تحقیق

تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی به صورت مستقیم و غیرمستقیم درباره مصحف امام علی علیه‌السلام نوشته است، که خود از جایگاه و اهمیت مسأله مصحف امام علی علیه‌السلام نزد شیعیان حکایت دارد؛ هر یک از این آثار، جنبه‌ای از موضوع را بررسی کرده‌اند. برخی از مقالاتی که در این زمینه نوشته شده است:

- رضایی، اسدالله، «مصحف امام امیرالمومنین علی علیه‌السلام، حقیقت یا توهم؟»، نشریه سراج منیر، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۴.
- امینی، عبدالله، «مصحف امام علی علیه‌السلام»، فرهنگ کوثر، ۱۳۸۷، شماره ۳۳.
- پیرانی، فاطمه، «ارزیابی دیدگاه‌ها در تاثیر مصحف امام علی علیه‌السلام بر شبهه تحریف قرآن با تاکید بر دیدگاه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)»، اولین همایش ملی دیدگاه‌های علوم قرآنی حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)
- عباسی مقدم، مصطفی؛ موسوی، سید محمد، «بررسی تحلیلی-انتقادی روایات ناظر به ترتیب مصحف امیر مومنان علی علیه‌السلام»، مطالعات فهم حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، سال هفتم، شماره ۱۳.
- محمدزاده، الهام؛ مرتضوی، سیدمحمد؛ شاه‌رودی، سید مرتضی؛ «مصحف حضرت علی علیه‌السلام در منابع علم ائمه»، پژوهش نامه علوی، بهار و تابستان ۱۳۹۵، سال هفتم، شماره ۱.

• تجری، محمدعلی؛ مقیمی نژاد داورانی، محدثه؛ «واکاوی روایات شیعی در ترتیب نزولی بودن مصحف امام علی علیه السلام»، آموزه‌های قرآنی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۲۲.

• نکونام، جعفر، «ترتیب مصحف امام علی علیه السلام موافق نزول یا موافق موجود؟»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲.

• امامعلی‌پور، علی؛ بیگدلی، آدین، «مصحف امیرالمومنین علیه السلام یا نخستین کتاب در حوزه علوم قرآنی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)، ۱۳۸۵، دوره ۵۷، شماره ۱۷۸.

آنچه در این پژوهش به طور خاص به آن پرداخته شده اعتبارسنجی و دلالت سنجی این حدیث است؛ که در آثار پژوهشگران مورد توجه قرار نگرفته است.

۲. بررسی حدیث

روایت شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات بدون ذکر منبع نقل شده است. به منظور بررسی دلالی حدیث لازم است خانواده حدیثی تشکیل شده و محتوای روایت را با سایر احادیث تحلیل نماییم.

۱-۲. بررسی مصادر و منابع حدیث

شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات الامامیه در «باب مبلغ آیات القرآن» توضیحاتی را در خصوص مصحف امیرمؤمنان علیه السلام ارائه کرده و ذیل آن روایتی از حضرت نقل کرده است که می‌فرماید: «هَذَا كِتَابُ رَبِّكُمْ كَمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّكُمْ، لَمْ يَزِدْ فِيهِ حَرْفٌ، وَ لَمْ يَنْقُصْ مِنْهُ حَرْفٌ» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۱، ص ۸۶) ایشان سند روایت را ذکر نکرده ولی روایت دیگری مشابه آن در کتاب اصول کافی با سند کامل نقل شده است.

روایت مشابهی از امام صادق علیه السلام در کتاب شریف اصول کافی نقل شده است، که فرموده‌اند: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ سَالِمِ بْنِ سَلَمَةَ قَالَ: قَرَأَ رَجُلٌ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ أَنَا أَسْتَمِعُ حُرُوفًا مِنَ الْقُرْآنِ لَيْسَ عَلَيَّ مَا يَفْرَأُهَا النَّاسُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام كَفَّ عَنْ هَذِهِ الْقِرَاءَةِ أَفْرَأَ كَمَا يَفْرَأُ النَّاسُ حَتَّى يَفُومَ

الْقَائِمُ عَلَيْهِ فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى حِدِّهِ وَأَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلَيْهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ أَخْرَجَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَعُ مِنْهُ وَكَتَبَهُ فَقَالَ لَهُمْ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحَيْنِ فَقَالُوا هُوَ ذَا عِنْدَنَا مُصْحَفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا أَبَدًا إِنَّمَا كَانَ عَلَيَّ أَنْ أُخْبِرَكُمْ حِينَ جَمَعْتُهُ لِتَقْرَءُوهُ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۳۳، ح ۲۳) بخشی از روایت کافی که در این مقاله مد نظر قرار گرفته این عبارت است: «قَالَ لَهُمْ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

۲-۲. احادیث مشابه و همخوان

حدیث اصول کافی به صورت کامل یا ناقص در منابع بسیاری نقل شده است برخی از منابع از اصول کافی نقل کرده‌اند و برخی از کتاب بصائر الدرجات (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۹) که عبارتند از:

۱- منابع حدیثی:

الوافی، ج ۱، ص ۱۷۷۷ حدیث ۹۰۸۷؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۳۹؛ بحار الانوار (چاپ بیروت)، ج ۸۹، ص ۸۸، حدیث ۲۸؛ مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۱۲، ص ۵۲۳، حدیث ۲۳؛ وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۱۶۳؛ الفصول المهمه فی الاصول الاثمه، ج ۳، ص ۳۱۴؛ اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۶۲؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴، ص ۲۲۶؛ هداية الامه الى احكام الاثمه، ج ۳، ص ۶۳.

۲- منابع تفسیری:

تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۴۱۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۷۰
 ۳- حدیث مشابهی بدون ذکر سند در کتاب مجمع البحرين طریحی به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ لِعَلِيِّ: يَا عَلِيُّ الْقُرْآنُ خَلْفَ فِرَاشِي فِي الصُّحُفِ وَالْحَرِيرِ وَالْقُرَاطِيسِ فَخُذُوهُ وَاجْمَعُوهُ وَلَا تُصَيِّعُوهُ كَمَا صَيَّعَتِ الْيَهُودُ التَّوْرَةَ، فَانْطَلَقَ عَلِيُّ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَمَعَهُ فِي ثَوْبٍ أَصْفَرَ ثُمَّ خَتَمَ عَلَيْهِ فِي

بَيْتِهِ وَقَالَ: لَا أَزِيدِي حَتَّى أَجْمَعُهُ، وَإِنَّهُ كَانَ الرَّجُلُ لِيَأْتِيَهُ فَيُخْرِجُ إِلَيْهِ بَغِيرَ رِدَاءٍ حَتَّى جَمَعَهُ وَأَخْرَجَهُ إِلَى النَّاسِ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهُ وَكَتَبَهُ قَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحَيْنِ. فَقَالُوا: هَذَا عِنْدَنَا مُصْحَفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ. فَقَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَنْ تَرَوْهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا، إِنَّمَا كَانَ عَلَيَّ أَنْ أُخْبِرْكُمْ كَيْفَ جَمَعْتُ الْقُرْآنَ.» (طريحي، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۱۶) این روایت به شکل گزارش گونه نقل شده است، آنچه در این حدیث مدنظر است عبارت «قَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ» می باشد.

۲-۳. بررسی سندی حدیث

سند روایت اصول کافی عبارت است از «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ سَالِمِ بْنِ سَلَمَةَ» بررسی رجالی این چهار نفر در منابع رجالی به شرح ذیل است:

۱- محمد بن یحیی: در رجال نجاشی آمده است: «محمد بن یحیی ابوجعفر العطار القمی شیخ اصحاب ما در زمان خود بوده ایشان ثقة، عین، کثیر الحدیث است وی کتاب‌هایی از جمله، مقتل الحسین علیه السلام، النوادر دارد شماری از اصحاب ما از فرزندش احمد از قول پدر یعنی محمد بن یحیی احادیث را نقل کرده‌اند.» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۵۳) کلینی از وی نقل کرده وی کثیرالروایه و ثقة است. (حلی، ۱۴۰۲، ص ۵۸)

۲- محمد بن الحسین: در رجال کشی آمده است: «اهل قم از وی به الحسین بن ابی الخطاب یاد کرده‌اند و دیگران به الحسین بن الخطاب از وی یاد کرده‌اند.» (کشی، ۱۴۰۴، ص ۶۱۳) نجاشی آورده است: «محمد بن الحسین بن ابی الخطاب ابوجعفر الزیات الهمدانی وی از اصحاب ما عظیم القدر، کثیرالروایه، ثقة، عین، حسن التصانیف» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۴)

۳- عبدالرحمن بن ابی هاشم: نجاشی می نویسد: «عبدالرحمن بن محمد بن ابی الهاشم البجلی ابومحمد، جلیل القدر از اصحاب ما و ثقة ثقة است.» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۶) علامه حلی می نویسد: «ابومحمد جلیل القدر از اصحاب ما و ثقة ثقة است.» (حلی، ۱۴۰۲، ص ۱۱۴)

۴- سالم بن سلمه: هر چند شیخ طوسی در الفهرست وی را تضعیف کرده (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۲۲۶) اما برای وی کافی است که نجاشی او را به نیکویی توثیق نموده و می‌نویسد: «سالم بن مکی بن عبدالله ابو خدیجه... ثقه ثقه است کتابی دارد که اصحاب ما از وی نقل کرده‌اند.» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۸۸) و کشی نیز وی را صالح و از اهل کوفه می‌داند. (کشی، ۱۴۰۴، ص ۳۵۲)

در نتیجه سند روایت متصل بوده و حدیث مسند است و به خاطر آن که راویان حدیث امامی مذهب و ثقه هستند، حدیث صحیح است.

۴-۲. معنا و شرح واژه‌های حدیث

هر سه روایت یعنی نقل شیخ صدوق، حدیث اصول کافی و نقل مجمع البحرین گزارشی از چگونگی شکل‌گیری، محتوا و سرانجام مصحف امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام را نقل کرده‌اند. در هر سه روایت بخشی که مد نظر است این سخن امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام است: «هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» در کتاب کافی و «هَذَا كِتَابٌ رَبِّكُمْ كَمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّكُمْ» در نقل شیخ صدوق. واژه‌ای که در این عبارت باید مورد بررسی بیشتری قرار گیرد واژه «کتاب» است. منظور از کتاب چیست؟ و چه نسبتی با قرآن دارد؟

۵-۲. نسبت بین مصحف و کتاب و قرآن

معنای مصحف در عصر صحابه تا اوایل قرن دوم هجری به معنای نوشتار بین دو جلد بوده، چه قرآن با تفسیر باشد مانند مصاحف صحابه یا نوشتار حدیث باشد مانند مصحف خالد بن معدان که سال صد و سه یا چهار یا هشت هجری وفات کرده و مانند مصحف دختر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که امام صادق می‌فرماید: «در آن مصحف یک حرف از قرآن نیست. بلکه اخبار غیبی است.» از آن جایی که امروزه معنای مصحف نزد مردم مساوی با قرآن است، اختلاف مصاحف صحابه را اختلاف در نص قرآن می‌دانند و می‌پندارند مصحف فاطمه دختر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام ذکر شده است، قرآن دیگری است. (ادیبی لاریجانی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۰) بنابراین واژه مصحف، گاهی به معنای قرآن است، یعنی در آن جایی که حرف از مصحف خلفا و مصحف عثمانی و مصحفی است که اکنون در دست همه

مسلمانان موجود است. ولی در روایاتی که سخن از مصحف امیرمؤمنان علیه السلام است، منظور از مصحف، کتاب الله است.

اما مراد از کتاب، حقیقت بسیط و صورت قبل از نزول تدریجی آن است، و چنان که از روایات استفاده می‌شود، وجود بسیط قرآن کریم پیش از آن که به صورت الفاظ و عبارات درآید، در آسمان دنیا نازل شده بود. از ظاهر آیات قرآن به دست می‌آید که مراد از کتاب به معنای قرآن صورت بعد از نزول آن است؛ زیرا در برخی از آیات کتاب هدایتگر و دارای آیات محکم و متشابه معرفی شده و در برخی دیگر انسان‌ها را به پیروی و تدبیر در آیات کتاب سفارش کرده است. اما حقیقت قرآن به صورت بسیط آن از دسترس عموم مردم دور است. (شریعتی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸)

جوادی آملی نیز می‌نویسد: «عنوان کتاب، اصطلاح شرعی ندارد و همان معنای متفاهم لغوی از آن اراده شده است؛ یعنی مجموعه‌ای که دارای آغاز و انجام است. واژه کتاب غیر از واژه قرآن است. زیرا قرآن دارای اصطلاح شرعی است که به همه یا به بخشی از آیات و سوره‌های این کتاب آسمانی نیز عنوان قرآن اطلاق می‌گردد؛ بنابراین اگر لفظ کتاب در موردی به کار رود، مقصود همه قرآن است و اگر بخشی از قرآن مقصود باشد، براساس علاقه جزء و کل، مجاز خواهد بود و به قرینه نیازمند است.... پس وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من کتاب را میان شما به جای می‌گزارم، مقصود آن حضرت قرآن جمع شده و مدون است؛ نه پراکنده؛ بنابراین گردآوری قرآن پس از این در دوران ابوبکر، معنای دیگری خواهد داشت که با اصل جمع و تدوین قرآن در عصر رسول صلی الله علیه و آله و سلم منافاتی ندارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰) پس بین واژه کتاب و قرآن نسبت تساوی برقرار نیست، بلکه عموم و خصوص مطلق هستند. کتاب الله، اعم از قرآن است. در کتاب الله همه قرآن هست و علاوه بر آن چیزهای دیگری هست که در قرآن نیست.

۲-۶. محتوای مصحف امیرمؤمنان علیه السلام

بر اساس این مطالب لازم نیست هر آنچه از جانب خداوند و وحی نازل شده، از قرآن باشد، زیرا از روایات در این زمینه به دست می‌آید که مصحف علی علیه السلام شامل اضافات در

تنزیل و تأویل بود و در هیچ یک از این روایات اشاره‌ای به این نیست که این موارد زیادی از قرآن باشد. مصحف آن حضرت شامل متن و شرح است؛ متن آن همان تنزیل و شرح آن، تفسیر و تأویل است. (خرازی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۶۹) روایاتی که در مورد مصحف حضرت وارد شده نیز مؤید همین مطلب است.

قرآن صراحتاً وظیفه تبیین احکام اسلامی را بر عهده پیامبر ﷺ قرار داده است و می‌فرماید: «و انزلنا الیک الذکر لتبیین للناس ما نزل الیهم» (نحل، ۴۴) و می‌فرماید: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یرکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمہ» (نحل، ۴۴). مطابق این گونه آیات وظیفه اساسی پیامبر ﷺ تبیین و رفع ابهام از مجملات قرآن است. چنان که از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «الانی اوتیت القرآن و مثله معہ» آگاه باشید که خداوند به من قرآن و همانند آن را عطا کرده است. علما در تبیین این گفتار، «مثله» را وحی بیانی، در کنار وحی الهی (وحی رسالی) دانسته‌اند که علاوه بر نزول وحی الهی در نزول آیات بر پیامبر ﷺ تفسیر و تبیین آنها نیز بر پیامبر ﷺ توسط جبرئیل آورده می‌شده است. (هاشمی، ۱۳۸۸، ص ۲۷)

«پیامبر اکرم ﷺ نیز بر اساس همین وظیفه، قرآن را به امیرمؤمنان علیؑ املا فرموده و قرائت آن را به ایشان آموخته و شأن نزول و تاریخ آن، و مصادیق حال و آینده و بالاخره تفسیر و تأویل آیات کتاب خدا را برای امام بیان فرموده و بعد از آن دستور داده است که امام آنچه را آموخته است به طور کامل بنویسد. قرآن موجود نزد ائمه اطهار علیهم السلام با چنین توضیحات و تفسیراتی همراه بوده و نسبت به قرآن کنونی، از نظر متن نه یک ذره کم داشته و نه یک ذره زیاد.» (قنبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۴۸) بنابراین طبق روایت منقول از امیرمؤمنان علیؑ، محتوای مصحف حضرت شامل تنزیل و تأویل است. «و لقد جئتهم بالکتاب کمالاً مشتملاً علی التنزیل و التأویل» (بلاغی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۲۷).

۲-۷. منظور از تأویل و تنزیل

همان‌گونه که گفته شد محتوای مصحف امام علیؑ علاوه بر تنزیل مشتمل بر تأویل آیات نیز بوده، حال این پرسش مطرح است که، تأویل چه نسبتی با تنزیل دارد؟ و از چه

منبع و مصدری به مصحف امام علیه السلام وارد شده است؟ سید محسن الاعرجی الکاظمی می‌نویسد: «مصحف امام علی علیه السلام مشتمل بر تفسیر و تأویل بود و عادت بر این بوده که تأویل را به همراه تنزیل می‌نوشتند. دلیل آن این روایت از حضرت است که، «و لقد جئت بالكتاب كاملاً مشتملاً على التأویل و التنزیل، و المحکم و المتشابه، و الناسخ و المنسوخ» به صراحت می‌گوید همه آنچه در مصحف خویش گردآوری کرده است، تنزیل قرآن نیست.» (الاعرجی الکاظمی، به نقل از: حسینی میلانی، بی‌تا، ص ۲۰)

شیخ صدوق ذیل حدیث ثقلین می‌نویسد: «لازم است که همواره کتاب خدا همراه یکی از عترت باشد، همراه کسی که تأویل و تنزیل کتاب الله را به علم یقینی بداند و از مراد خدای تعالی اخبار کند، همچنان که رسول الله صلی الله علیه و آله از مراد آیات اخبار می‌فرمود، و بایستی که معرفت او به تأویل کتاب از روی استنباط و اجتهاد نباشد، کما آنکه معرفت رسول الله صلی الله علیه و آله از روی استنباط و اجتهاد نبود و صرفاً بر علم لغت و مخاطبات استناد نمی‌فرمود، بلکه مراد الله را از طریق خدای تعالی بیان می‌کرد تا با بیانش حجّت الهی بر مردم تمام شود» (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۷) بنابراین ایشان منشأ علم پیامبر صلی الله علیه و آله را وحیانی می‌داند.

میرزا مهدی بروجردی به وجود تأویل آیات در کنار تنزیل آنها در مصحف حضرت اذعان کرده و می‌نویسد: «بنابراین در موضوع مصحف امام علی علیه السلام گفته می‌شود مجموع تفسیر و تأویل، تبیین مجملات و تقیید مطلقات، ناسخ و منسوخ قرآن در آن جمع است، که همه آن از علوم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برگرفته شده بود. و امام علی علیه السلام آن مصحف را بر خلیفه اول و دوم بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه کرد. آنها پس از آگاهی از مطالب تفسیر و تأویل آن، فهمیدند که اگر این کتاب تفسیر در دسترس همگان باشد از هدف خودشان در حکومت بر امت اسلامی باز خواهند ماند. پس در پاسخ به امام علی علیه السلام گفتند که نیازی به کتاب تو نداریم و این قرآنی که در دست ماست؛ ما را بس است. شاهد بر این عرض خویش، فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام است، که فرمود: کتابی کامل شامل تأویل و تنزیل، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ برای آنها آوردم. در این کلام آن حضرت تصریح شده است که

تأویل همراه قرآن بوده است به قرینه عبارت مشتقاً علی التأویل و التنزیل» (بروجردی، بی تا، ۴۳-۴۴)

ابن شهر آشوب منظور از تأویل را همه مفاهیم و مضامین و مدلول های آیات قرآن می داند: «منظور از محکم و متشابه، تنزیل و تأویل قرآن و غیره که مورد اشاره روایات است و در مصحف امام علی علیه السلام جمع آوری شده است، یعنی همه مفاهیم و مضامین و مدلول های آیات قرآن دقیق و کامل به همراه الفاظ آیات مصحف کنونی در نزد امام وجود داشته است، یعنی اصول و کلیات و مطلقات شریعت در قرآن کریم آمده است، و خداوند متعال به وسیله وحی بیانی پیامبرش را در جریان مسائل جزئی، مخصوص‌ها و تقییدها قرار داده است و رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز آن اسرار را برای امیرمؤمنان علیه السلام تشریح کرد. به چنین اقدامی تأویل و تفسیر قرآن گفته می شود؛ همان گونه که خود حضرت آن را نقل کرده است: «پروردگارم به من قلبی عاقل و زبانی پرسش کننده عنایت فرموده است.» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۳)

بنابراین منظور از تأویل، مراد خداوند از آیات قرآن است؛ چه این که تنش های ایجاد شده میان پیامبر صلی الله علیه و آله و مشرکان در وحیانیات قرآن بود؛ نه تأویل. پیامبر قرآن را وحی الهی می خواند و مشرکان، سخن بشر؛ اما دشمنان علی علیه السلام در اصل قرآن و این که وحی الهی است با امام اختلاف نداشتند، بلکه ناسازگاری ایشان در مراد خداوند یا همان تأویل آیات بود. (فرجادی، ۱۳۸۳، ص ۲-۶)

۲-۸. منظور از وحی بیانی

وحی نازل شده بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله، به دو شکل است: یک قسم آن به صورت مکتوب است یعنی نوشته شده و مدون، که همان قرآن کریم است. قسم دیگر وحی الهی، شفاهی است، یعنی مجموعه علوم و دانشی که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله داده است. و آن را در قالب الفاظ و عبارات خود ریخته تا کتاب خدا را تبیین و تفسیر نماید و جزئیات آن را برای مردم توضیح دهد. آیه شریفه «و ما ینتطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی» (نجم، ۳ و ۴) بیانگر این است که وحی، شامل قرآن و علوم پیامبر صلی الله علیه و آله هر دو می شود. بنابراین، مجموعه گفتار و

سخنان رسول خدا ﷺ که بر محور دین و در چارچوبه مسائل شریعت باشد، همه داخل در وحی است. (کوشا، ۱۳۸۴، ۱۵۷-۱۶۲)

بنابراین شریعت اسلام با دو وحی نازل می‌شده است. وحی قرآنی و وحی بیانی. پس با وحی قرآنی تنها، و بدون وحی بیانی، ما به شرایع اسلام (همچون نماز، روزه و حج) نمی‌توانیم برسیم. (عسکری، ۱۳۸۷، ص ۲۲۰)

خداوند دین خود را در قالب «وحی قرآنی» و «وحی بیانی» بر پیامبرش عرضه داشت. سهم عظیمی از وحی بیانی به صورت «آموزه‌های خاص دینی» در اختیار وارثان علم پیامبر ﷺ یعنی اهل بیت ائمه قرار گرفت که موضوع بخش مهمی از آن، تفسیر قرآن است. (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۱۷) با انحراف خلافت پیامبر ﷺ از مسیر خود، خلفا به بهانه حفظ قرآن از زیاده و نقصان و جلوگیری از اختلاط کلام خداوند با روایات نبوی - که چیزی جز وحی الهی نبود- به منع نقل و کتابت حدیث فرمان دادند و به محو و نابودی میراث مکتوب نبوی همت گماشتند. (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۴۱)

بنابراین براساس احادیث، در کنار وحی آیات الهی بر رسول اکرم ﷺ، تفسیر و تأویل و تبیین آیات نیز به پیامبر ﷺ وحی می‌شد که از آن به «وحی بیانی» تعبیر شده است و در کنار وحی قرآنی قرار دارد. از حسان بن ثابت نقل شده که جبرئیل همان‌گونه که قرآن را بر پیامبر ﷺ نازل می‌کرد، سنت را نیز نازل می‌کرد. (مهدوی‌راد، ۱۳۸۲، ص ۳۶۹)

۲-۹. تحلیل محتوای روایت

از عبارت «هَذَا كِتَابٌ رَّبِّكُمْ كَمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّكُمْ» چند نکته روشن می‌شود:

اول: همه مجموعه‌ای که حضرت جمع‌آوری کرده است کلام خداست. «هَذَا كِتَابٌ رَبِّكُمْ» بدون دخل و تصرف؛ حضرت علی علیه السلام تفسیر و توضیحی از خود به این کتاب اضافه نکرده و چیزی از آن را حذف نکرده است.

دوم: این مجموعه گردآوری شده توسط امیرمؤمنان علیه السلام که در این حدیث «کتاب» نامیده شده است، مطابقت کاملی دارد، با آنچه که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است «كَمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّكُمْ»

سوم: جنس محتوای مصحف حضرت وحیانی است. «كَمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّكُمْ» مخلوط به اجتهادات و استنباطات حضرت نشده است. این مصحف مشتمل بر وحی بیانی بوده که همچون وحی قرآنی به وسیله جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شده است و اگر در روایات از این مصحف با عباراتی چون «علی ما انزل الله» و «کما انزل الله» یاد شده، بر این که آن مصحف براساس نزول تنظیم شده و ترتیب نزولی داشته است، دلالت ندارد. بلکه منظور مطابقت آن، با محتوای وحی بر رسول اکرم ﷺ است. در این روایات واژه «تألیف» آمده نه «ترتیب»، «علی ما انزل الله» آمده نه عبارت دیگر. یعنی مصحف حضرت مطابق با نزول بوده و چیزی کم و زیاد نداشت نه این که به ترتیب نزول بود. (نک: مهدوی راد، ۱۳۸۲، ص ۳۷۱-۳۷۲)

چهارم: اگر این روایت را در کنار حدیث علوی «و لقد جئتهم بالكتاب كمالاً مشتملاً علی التنزیل و التأویل» (بلاغی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۲۷) قرار دهیم؛ نکته دیگری از آنها استنباط می‌شود این که:

محتوای مصحف امیرمؤمنان علیه السلام که «کتاب» نامیده شده است. هم تنزیل است و هم تأویل. از آن جایی که مصحف حضرت فقط آیات قرآن نبود و وحی غیر قرآنی نیز در آن گردآوری شده بود، و اساساً تفاوت مصحف امام علی علیه السلام با مصاحفی که به دستور خلفا جمع آوری شد و نیز دلیل اصلی پذیرفتن مصحف حضرت توسط خلفا، وجود همین وحی غیر قرآنی بود که در حاشیه مصحف حضرت نوشته شده بود؛ پس منظور از تنزیل، آیات قرآن است و تأویل همان وحی غیر قرآنی است. (نک: مهدوی راد، ۱۳۸۲، ص ۳۷۰) پیشتر روشن شد که جنس محتوای مصحف حضرت چیزی غیر از وحی نبود. «كَمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّكُمْ»

پنجم: اگر آنچه از مفهوم واژه کتاب دریافت شد را بر محتوای حدیث شریف ثقلین تطبیق دهیم، منظور از واژه «کتاب» در حدیث ثقلین نیز روشن می‌شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۲؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۳۳) یعنی: «من در میان شما دو میراث گرانسنگ بر جای می‌گذارم، کتاب خدا و

عترت خویش را و آنان از یکدیگر جدا نمی‌شوند، تا زمانی که در حوض بر من وارد شوند.» پس منظور از ثقل اکبر و کتاب الله فقط قرآن به تنهایی نیست؛ بلکه وحی قرآنی و وحی بیانی است «مشتماً علی التنزیل و التأویل» که در مصحف امیرمؤمنان علیه السلام گردآوری شده بود. ثقل اکبر پیامبر صلی الله علیه و آله، آیات قرآن به همراه «وحی بیانی» بود.

۳- نتیجه‌گیری

روایت علوی «هذا کتاب ربکم كما أنزل علی نبیکم» در کتاب الاعتقادات شیخ صدوق بدون ذکر سند نقل شده است. اما روایات هم خانواده و مشابه آن در کتاب اصول کافی و بصائر الدرجات صفار با سند متصل روایت شده است. هر چند این حدیث در رابطه با مصحف امیرمؤمنان علیه السلام در منابع شیعی به شکل پرسیامدی منعکس شده و مورد استناد قرار گرفته است؛ اما تاکنون مستقلاً به بررسی محتوایی و دلالتی آن پرداخته نشده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش روشن می‌سازد که محتوای مصحف حضرت از جنس وحیانی بوده و شامل تنزیل و تأویل می‌باشد، یعنی علاوه بر وحی قرآنی، وحی بیانی نیز در حاشیه مصحف حضرت ثبت شده است. امیرمؤمنان علیه السلام به آن مجموعه واژه «کتاب» اطلاق کرده است. پس واژه کتاب اعم از واژه قرآن بوده و رابطه بین کتاب و قرآن، عموم و خصوص مطلق است. کلمه قرآن به همه یا بخشی از آیات یا سوره‌های این کتاب آسمانی اطلاق می‌شود؛ در نتیجه تمام مصحفی که اکنون در دست ما است، قرآن است. زیرا تمام مصحف موجود شامل بخشی از آن کتاب خدا است؛ و کتاب خدا اجتماع وحی بیانی و وحی قرآنی با هم است. از خلال بررسی این حدیث معنای واژه «کتاب» در حدیث ثقلین نیز روشن می‌گردد. که این مطلب دستاورد جدیدی در رابطه با مصحف حضرت می‌باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه قمی، محمد بن علی، (۱۳۷۱)، الإعتقادات الإمامیه، ترجمه: سید محمد علی حسینی، تهران: اسلامیة.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی، (۱۳۸۰)، کمال الدین و تمام النعمه، مترجم: منصور پهلوان، قم: دارالحدیث.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی، (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹)، مناقب آل ابي طالب علیهم السلام، قم: انتشارات علامه.
- ادیبی لاریجانی، محمد باقر، (۱۳۸۷)، مرزدار مکتب اهل بیت علیهم السلام، قم: انتشارات دانشکده اصول دین.
- افتخاری، لاله، (۱۳۸۷)، پژوهشی در روایات تفسیری امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- بروجردی، میرزا مهدی، [بی‌تا]، برهان روشن (البرهان علی عدم تحریف القرآن)، تهران: کتابفروشی بوذرجمهری.
- بلاغی، محمد جواد، (۱۳۵۲ ق)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: وجدانی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴)، نزهت قرآن از تحریف، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء.
- حراملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حراملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- حراملی، محمد بن حسن، (۱۳۷۶)، الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
- حراملی، محمد بن حسن، (۱۴۲۵ ق)، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت: اعلمی.
- حسینی میلانی، سید علی، [بی‌تا]، التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن الشریف، تهران: دارالقرآن الکریم.
- حلی، جمال الدین حسن بن یوسف، (۱۴۰۲ ق)، خلاصه الاقوال، چاپ دوم، قم: الشریف الرضی.
- خرزازی، محسن، (۱۴۲۲ ق)، عمده الاصول، قم: موسسه در راه حق.
- شریعتی، غلام محمد، (۱۳۹۰)، «معناشناسی در زمانی واژه کتاب در قرآن»، مجله قرآن شناخت، سال چهارم، شماره اول، پیاپی ۷، صفحه ۱۲۷-۱۵۵.
- صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، چاپ دوم، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
- طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۰ ق)، الفهرست، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
- عروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نورالثقلین، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.

- عسکری، سید مرتضی، (۱۳۸۷)، **برگستره کتاب و سنت**، مترجم: محمد جواد کرمی، قم: انتشارات دانشکده اصول دین.
- فرجادی، محمد، (۱۳۸۳)، «معنی شناسی تاویل در روایات»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۷، دوره ۱۰.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ ق)، **الوافی**، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمومنین علی علیه السلام.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸)، **تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب**، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قنبری، محمد، (۱۳۸۷)، **شناخت نامه کلینی و الکافی**، قم: دارالحدیث.
- کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۴ ق)، **اختیار معرفة الرجال**، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲)، **الکافی**، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.
- کوشا، محمد علی، (۱۳۸۴)، **فروغ توحید**، قم: حلم.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳)، **الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد**، قم: کنگره شیخ مفید.
- مهدوی راد، محمد علی، (۱۳۸۲)، **آفاق تفسیر**، تهران: هستی نما.
- نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵)، **رجال النجاشی**، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ ق)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- هاشمی، فاطمه، (۱۳۸۸)، **بررسی صحت اعتبار روایات منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام**، چاپ سوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.